

## امتحانات ارتقائی - مرداد ۱۳۹۶

## نیمسال اول

## پاسخنامه مدارس شهرستان

موضوع:	اصول ۳	پایه:	۶
تاریخ:	۹۶/۰۵/۲۱	ساعت:	۸

نام کتاب: اصول الفقه، از بمث اجتماع امر و نهی تا اول شهرت

لطفاً به همه سوالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

## تستی

۱. النظر إلى الأجنبية في أثناء الصلاة مثال للإجماع ..... في مسألة اجتماع الأمر و النهي. ج ۳۲۱
- أ. الحقيقي الذي يدخل  ب. المورد الذي يدخل  ج. المورد الذي هو غير داخل  د. الحقيقي الذي هو غير داخل
۲. لو دخل منزلاً مغصوباً متممداً فبادر إلى الخروج تخلصاً مما ورد فيه بسوء الاختيار فهذا التصرف الخروجي عند المصنف ..... ج ۳۴۳-۴
- أ. واجب فقط و لكن يعاقب فاعله  ب. واجب فقط و لا يعاقب فاعله  ج. حرام فقط  د. واجب و حرام معاً
۳. على رأى المصنف، لو كان موضوع مباحث الحجّة ..... ب ۳۶۷
- أ. ذات الدليل خرج مسائلها عن علم الاصول
- ب. الدليل بما هو دليل خرج مسائلها عن علم الاصول
- ج. ذات الدليل يكون البحث عن حجیة الدليل بحثاً عن أصل الموضوع الذي هو مفاد «كان» الناقصة
- د. الدليل بما هو دليل يكون البحث عن حجیة الدليل بحثاً عن لواحق الموضوع
۴. التصرف في القطع الطريقي من جهة السبب ..... التصرف فيه من جهة المتعلق. ج ۳۸۴-۵
- أ. ممكن نظير  ب. غير ممكن بخلاف  ج. غير ممكن نظير  د. ممكن بخلاف

## تشریحی

\* إذا كان العنوان ملحوظاً في الخطاب فانياً في مطلق الوجود المضاف إلى طبيعة العنوان من دون ملاحظة كونه على وجه يسع جميع الأفراد (على نحو العموم الاستغراقي) فيكون المطلوب في الأمر و المنهى عنه في النهي صرف وجود الطبيعة (على نحو العموم البدلي) فعليه لا يكون تعارض بين قوله «صل» و قوله «لا تغصب».

۳۲۹-۳۰

۱. در فرض مذکور، وجه عدم تعارض بین دو دلیل چیست؟ توضیح دهید.

دلیل عدم تعارض این است که در خطاب امر و نهی کثرات و مميزات (به نحو عموم استغراقی) ملاحظه نشده‌اند و امر به صرف وجود طبیعت تعلق گرفته که با اتیان هر یک از افراد آن قابل امتثال است. بنابراین «صل» نمی‌گوید نماز واجب است در هر موردی حتی مورد غضب تا به دلالت التزامی نافی حرمت غضب در مورد اجتماع باشد. از طرف دیگر، نهی هم به صرف طبیعت غضب تعلق گرفته نه به همه افراد و مصادیق که شامل حرمت غضب در مورد صلوات هم بشود و بالالتزام نافی وجوب نماز در مورد اجتماع گردد. بنابراین در مقام جعل تشریح بین دو دلیل، تکاذب وجود ندارد تا بین آنها تعارض ثابت شود.

۲. أ. اطلاق «حجت» بر اصول عملیه به چه معناست؟ توضیح دهید. ب. منشأ اختلاف در أماره بودن یا اصل بودن «استصحاب» چیست؟

أ. به این معنا که اصول عملیه معذّر است و زمانی که مکلف به آنها عمل کرد و خلاف واقع درآمد معذور است چنانکه مولی هم می‌تواند علیه عبد احتجاج کند و بگوید چرا به این اصول اعتنا نکردی و واقع را تفویت کردی.

ب. از آنجا که در استصحاب شأن حکایت از واقع و احراز فی الجملة ای واقع وجود دارد لذا برخی از اعلام جهت معرّز بودن و مفید ظن بودن، استصحاب را لحاظ کرده و آن را از باب امارات حجت شمرده‌اند و عده‌ای جنبه مرجع بودن استصحاب در زمان شک و حیرت مکلف را مورد نظر قرار داده، آن را از باب اصول عملیه حجت کرده‌اند. ۳۷۴-۵

\* ذكر المحقق النائيني أن بين النهي الغيريّ المقدميّ و النهي النفسىّ فرقاً لأنّ الغيرىّ لا يكشف عن وجود مفسدة فى المنهى عنه فيبقى المنهى عنه على ما كان عليه من المصلحة الذاتيّة بلا مزاحم لها من مفسدة للنهى فيمكن التقربّ به بقصد تلك المصلحة الذاتيّة بخلاف النهى النفسىّ الكاشف عن المفسدة فى المنهى عنه المانعة من التقربّ به.

۳۵۶

۳. أ. با توجه به كلام محقق نائینی، آیا نهی غیرى مقتضى فساد عبادت است؟ چرا؟ ب. دیدگاه و دلیل مرحوم مظفر در این موضوع چیست؟  
أ. خير؛ چون نهی غیرى کاشف از مفسده در منهى عنه نیست؛ لذا منهى عنه به نهی غیرى بر مصلحت ذاتى خود باقى مى ماند و مى توان به همین حیث مصلحت ذاتى با انجام منهى عنه به نهی غیرى تقرب حاصل کرد.  
ب. به نظر مرحوم مظفر تقرب و ابتعاد، دائر مدار مصلحت و مفسده ذاتى نیستند تا کلام محقق نائینی تمام باشد. بنابراین نهی غیرى نیز مقتضى فساد است لأنّ الفعل المبعّد عن المولى فى حال كونه مبعّداً لا يعقل أن يكون متقرباً إليه فالنهی الغیری یوجب مبعوضيّة المنهى عنه و إن لم يشتمل على مفسدة نفسیة.

\* اختلفوا فى أن الأمانة هل هی حجة مجعولة على نحو الطریقیة أو أنّها حجة مجعولة على نحو السببیة أى إنّها طریق أو سبب؟  
۴. مقصود از «طریقیت» و «سببیت» و مختار مصنف را تبیین کنید.

مقصود از طریقیت این است که اماره به هدف رسیدن به واقع جعل شده است و در صورت اصابت منجز و در صورت خطا معذّر است لکن مقصود از سببیت آن است که اماره سبب حدوث مصلحت در مؤدای خود است و این مصلحت، مصلحت حکم واقعی در فرض خطا را تدارک می کند و در حقیقت شارع مقدس حکم ظاهری بر وفق مؤدای اماره انشاء می کند و این جایگزین مصلحت فائده می گردد.

\* من الشبهات فى إمكان أصل النسخ أن المرفوع فى النسخ إمّا حکم ثابت أو ما لا ثبات له و الثابت يستحيل رفعه و ما لا ثبات له لا حاجة إلى رفعه و على هذا فلا بد أن يؤوّل النسخ بمعنى رفع مثل الحكم لا رفع عينه أو بمعنى رفع أمد الحكم و الجواب: ...  
۵. جواب مصنف به شبهه فوق چیست؟ توضیح دهید.

از دو شقی که در عبارت فوق آمد ما شق اول را اختیار می کنیم که مرفوع، امر ثابت، است لکن معنای رفع امر ثابت، رفع آن با قید حالت ثبوت نیست تا محال باشد بلکه از باب «اعلام الموجود» است که امکان دارد. به عبارت دیگر، احکام شرعی به نحو قضایای حقیقی جعل شده اند و در قضایای حقیقی، موضوع به نحو فرضی اخذ می شود؛ یعنی بر فرض اینکه موضوع ثابت باشد آن حکم بر آن مترتب می شود و چنانچه شارع فرض ثبوت را برداشت؛ حکم هم برداشته می شود که این همان نسخ است. (تأمل)

\* إن الدلیل على حجیة الحجة یجب أن یكون قطعياً فلا یصح الاستدلال بالآیات التی هی ظنیة الدلالة لأنّ ذلك استدلال بالظنّ على حجیة الظنّ. ۹-۴۲۸  
۶. عبارت فوق دلیل بر چه مطلبی است؟ وجه استدلال و اشکال آن را بیان کنید.

دلیل بر اینکه استدلال با آیات قرآنی برای اثبات حجیت خبر واحد صحیح نیست.  
وجه استدلال: آیات قرآن ظنیّ الدلالة هستند و چیزی که خودش در مقام دلالت و محتوا ظنی است چگونه صلاحیت اعتباربخشی به ظن (خبر واحد) را داشته باشد. دلیل باید اقوی رتبتاً از مدلول باشد، حال آنکه در اینجا هر دو در یک رتبه (= ظن) هستند.  
اشکال: از آنجا که حجیت ظواهر قرآن به دلیل قطعی ثابت شده است، ظواهر قرآن گرچه ظنیّ اند لکن به حکم قیام دلیل یقینی بر اعتبار آنها، در حکم علم هستند و استدلال به علم واره بر ظن اشکالی ندارد.

\* من طوائف الروایات الدالّة علی حجیّة خبر الواحد ما دلّ علی ذمّ الكذب علیهم و التحذیر من الكذّابین علیهم. ٤٤٠

٧. از طائفه مذکور چگونه حجیت خبر واحد استفاده می شود؟

به دلیل اینکه اگر اخذ به خبر واحد امر متعارفی بین مسلمین نبود مجالی برای دروغ بستن بر ائمه علیهم السلام وجود نداشت و ائمه علیهم السلام از این قضیه مؤمنین را تحذیر نمی کردند؛ چون وقتی خبر واحد امر مردودی باشد جای نگرانی و هشدار وجود ندارد و متقابلاً اینکه ائمه علیهم السلام از کذب کذابین اعلان خوف کردند معلوم می شود خبر واحد امر مقبولی است و بیم آن است که کذابین از این امر مقبول، نابجا و در مسیر اهداف شوم خود استفاده نمایند.

٨. ا. بین اجماع و خبر متواتر چه تفاوتی وجود دارد؟ ب. چرا به اجماع، «دلیل لبی» می گویند؟ ٤٥٩

ا. خبر متواتر (لفظی) دلیل لفظی بر قول معصوم است؛ یعنی مثبت کلام و لفظ معصوم است (به شرط لفظی بودن تواتر) لکن اجماع دلیل قطعی بر خود رأی معصوم است نه بر لفظ خاص آن (لأنّه لا یثبت به أنّ المعصوم قد تلفظ بلفظ خاصّ معین فی بیانه للحکم).  
ب. چون لبّ یعنی معنا و مضمون و اجماع در شمار ادله ای است که تنها معنا و مضمون حکم شرعی را اثبات می کنند که نسبت به لفظ حاکی، جنبه لبّ و مغز دارد. بنابراین لفظ معصوم را اثبات نمی کند.

\* عدم التمییز بین ما یدرکه العقل من الأحکام ابتداءً و ما یدرکه منها بتوسّط الملازمة هو سبب المغالطة التي وقع فیها بعضهم إذ نفی مطلقاً إدراک العقل لحکم الشارع و حجیّته قائلاً: «إنّ أحكام الله توقيفیة لا مسرح للعقول فیها» و غفل عن أنّ هذا التعلیل إنّما یصلح لنفی إدراکة للحکم ابتداءً و بالاستقلال و لا یصلح لنفی إدراکة للملازمة المستتبع لعلمه بثبوت اللازم. ٤٨٠

٩. ا. مقصود از «مطلقاً» و «اللازم» چیست؟ ب. وجه مغالطی بودن «إنّ أحكام الله توقيفیة لا مسرح للعقول فیها» چیست؟

ا. یعنی، چه ادراک به نحو ابتدایی و استقلالی و چه ادراک به نحو ثانوی و تبعی (ملازمه ای) ٢. یعنی حکم شرعی.  
ب. چون توقیفی بودن احکام شرعی، با ادراک استقلالی منافات دارد لکن با ادراک عقل از طریق ملازمه تنافی ندارد و قائل، در کلام خود «توقیفی» بودن را مطرح کرده تا نتیجه مورد ادعایش راحت تر مورد قبول خصم قرار گیرد در حالی که بین توقیف و ادراک ملازمه عقل تنافی وجود ندارد.